

بررسی اهمیت توسعه گردشگری ادبی

از خیابان شرلوک هولمز تا درختان ارغوان

سفری به دنیای کتاب‌ها

تا حالا شده از یک شاعر و نویسنده یا اثر ادبی خاصی، خوش‌تان بیاید؟ این جور وقت‌ها می‌رویم سراغ سرچ کردن اسم نویسنده در گوگل. در موردش پادکست گوش می‌دهیم. نقدهای نوشته شده بر اثر را می‌خوانیم. حاشیه‌های نویسنده را دنبال می‌کنیم. تئوری‌های اثر را می‌شنویم. در گروه‌های هواداری‌اش عضو می‌شویم. دنبال چیزی می‌گردیم تا بیشتر به نویسنده یا اثر وصل شویم. اینجا دقیقاً جایی است که بازار یاب گردشگر ادبی وارد می‌شود. گردشگری ادبی گونه‌ای از انواع گردشگری است که در نتیجه علاقه فرد به یک نویسنده یا شاعر، اثر یا فضای ادبی و نیز میراث ادبی یک مقصد پدید می‌آید.



تولد یک محبوبیت

زادگاه یک شخصیت ادبی نیز مانند آرامگاهش برای علاقه‌مندان می‌تواند جالب باشد. تصور کنید کسی عاشق شکسپیر است. برای این طرفدار، چقدر بازدید از محل تولد این نویسنده می‌تواند جذاب باشد. یا خانه‌ای که پروین اعتصامی در آن قد کشیده و رشد کرده. خانه نویسندگان ایرانی، معمولاً تبدیل به موزه‌هایی شده که علاوه بر حفظ و نگهداری فضاهای شان، اشیاء مربوط به آنها مثل دست‌نوشته‌ها، قلم، ماشین تایپ و... نیز به نمایش گذاشته شده. شما می‌توانید پشت میزی که صادق هدایت، بوف کور را اصلاح و بازنویسی کرده، بایستید؛ یا پنجره‌ای که جلال هنگام نوشتن مدیر مدرسه، کنار آن چای نوشیده را ببینید. اما از اینها گذشته، مکان‌های دیگری هم هستند که نه اثری و شخصی در آن متولد شده و نه محل آرامگاه کسی است. باوجود این، گردشگران مشتاق بازدید از آنها هستند. مثل تعدادی از مکان‌ها در لندن که در زمان‌های هری پاتر نقش داشته‌اند امروزه تبدیل به جاذبه‌هایی شده‌اند که علاقه‌مندان از آنها بازدید می‌کنند؛ مثل ایستگاه قطار پادینگتون و جاده داگنال. یا حتی خیابانی در لندن که با نام بیکر اسم‌گذاری و خانه شخصیت رمان شرلوک هولمز در آن ساخته شده است. در ایران، درخت ارغوان، ایرانی‌ها را به سمت خود می‌کشد تا ببینند شاخه هم‌خون جدا مانده ابتهاج چه شکلی است. در جنوب، سنت خیام‌خوانی به یک فستیوال موسیقی تبدیل شده. این روزها خیلی‌ها دوست دارند به جنوب سفر کنند و همراه با موسیقی‌های محلی، خیام بخوانند.



چند روزی از سالروز گرامیداشت نظامی گنجوی می‌گذرد و یکی دو روز دیگر سالروز بانو پروین اعتصامی است. به این بهانه در کلاف این هفته قرار است سری به آرامگاه‌های شخصیت‌های ادبی ایران بزنیم. به محل تولدشان. جایی که الهام‌بخش آثار ادبی فارسی بوده‌اند یا مکان‌هایی که نوشته شده‌اند. همان جاهایی که ظرفیتی فوق‌العاده برای جذب گردشگر هستند. نزدیک عید نوروز هستیم و تنور مسافرت‌ها داغ است. این بار اما قرار است از میزبانی حرف بزنیم. از این‌که ما چقدر در برابر این پتانسیل‌ها مسئولیم؟

فاطمه پورابراهیم

نوجوانه



گردشگری در رقابت جهانی

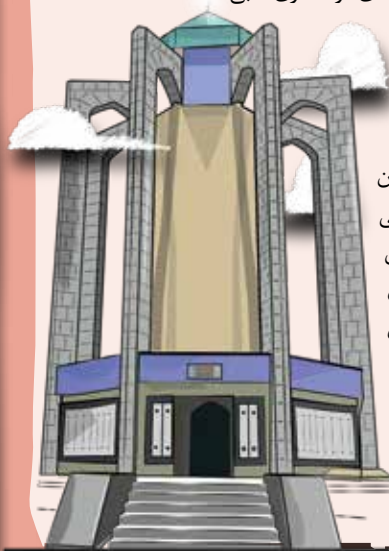
محلی کرده تا مطاع خاص‌تری برای گردشگران داشته باشد؛ هرچند که عوامل دیگری نیز مؤثر است. در سال‌های اخیر این بهانه‌ها، خلاقانه‌تر شده‌اند. مثل برگزاری انواع جشنواره‌های تست غذا یا ساخت زیپ‌لاین بر فراز جنگل و هتل‌های سقف شیشه‌ای برای دیدن شفق قطبی. در هر صورت، گردشگری انواع مختلفی دارد. از گردشگری زیارتی گرفته تا گردشگری قمار. یکی از این گونه‌ها، گردشگری ادبی است. موردی که قرار است در کلاف این هفته سراغش برویم.

وقتی به قصد لذت یا کسب‌وکار سفر می‌کنیم، یعنی گردشگریم. این روزها در جهان، رقابت بر سر جذب گردشگران نفسگیر شده است. هر منطقه، دنبال برگ برنده‌ای است که با آن، مسافران را به سمت خود بکشانند؛ گاهی به بهانه زیبایی‌های طبیعی و گاهی جاذبه‌های تاریخی. در این رقابت، برد را



میزبان گردشگران

به همراه دارد؛ به این معنا که گردشگری ادبی می‌تواند درآمد سرشاری برای اقتصاد محلی و نیز نقش بسزایی در اقتصاد کلان کشور داشته باشد. شما چقدر ظرفیت‌های گردشگری ادبی شهرتان را می‌شناسید؟ چقدر خودتان را در برابرشان مسئول می‌دانید؟ بزرگ‌ترین فستیوال موسیقی ایران که مربوط به خیام‌خوانی است، کاملاً خصوصی برگزار می‌شود. این دستاوردها از دل عشقی آمده که یک نوجوان روزی در دلش پرورانده و کم‌کم به کاری بزرگ تبدیلش کرده. تو عاشق کدام وجه ادبی شهر هستی؟



بسیاری از کارشناسان صنعت گردشگری معتقدند که گردشگری فرهنگی و زیربخش‌های آن از جمله گردشگری ادبی را می‌توانیم به عنوان سازگارترین شکل گردشگری با شرایط حاکم بر کشور ایران معرفی کنیم و به آن بپردازیم. ادبیات فارسی، بخش پرنسبی از هویت ایران را تشکیل می‌دهد. کشورمان به واسطه ادبیات عرفانی و فرهنگ کهن خود از جمله مقاصد در دنیا است که آثاری عمیق دارد؛ آثاری که وجه‌های مختلف عرفانی و فلسفی برای پرداختن دارند. معارفی که نیاز بشر امروز است. قصه‌هایی که به گوش دنیا رسیده‌اند. مظاهر آنها در گوشه و کنار ایران دیده می‌شود. احتمالاً از هر کجای ایران که باشید، موقع خواندن این کلاف ذهن‌تان سراغ مکان‌های دیدنی شهر خودتان رفته؛ مکان‌هایی که مغفول مانده‌اند و اگر هم مشهورند، ظرفیت بیشتری برای پرداختن به آنها وجود دارد. جای جشنواره‌های شاهنامه‌خوانی و پرده‌خوانی در توس و غرفه‌های فروش اجناس یادگاری و سوغات‌های فرهنگی اطراف آرامگاه باباطاهر خالی است. شاید هر کدام از ما که عاشق آثار یکی از شخصیت‌های ادبی ایران هستیم، رسالت‌مان معرفی آن به جهان باشد. یکی از راه‌های رونق گردشگری ادبی است. مسیری که در کنار دغدغه‌های فرهنگی، رونق اقتصادی هم برای مردم منطقه‌تان

آرامگاه‌ها و تجربه ادبی سفر

داده. شهری به دور از استانبول و ازمیر که دو مقصد محبوب مسافران است. اما این دوری چیزی از گردشگران در حال رفت‌وآمد در قونیه کم نکرده. هر ساله در روز بزرگداشت مولانا، جشنواره‌های باشکوهی برگزار می‌شود. از سماع گرفته تا مولاناخوانی. جشنواره‌هایی که به مدت یک هفته تمام قونیه را در برمی‌گیرد و حال و هوایی عجیب به آن می‌دهد. در ایران نیز اطراف آرامگاه فردوسی، موزه‌ها و فروشگاه‌هایی دایر شده که تجربه‌ای ادبی از سفر به توس به بازدیدکنندگان می‌دهد. این جشنواره‌ها، غرفه‌ها و... همه به وجه ادبی مکان معنایی دهد و آرامگاه را مقصدی ارزشمند برای سفر به آنجا تبدیل می‌کند.

گاهی وجود آرامگاه یک شاعر، آن شهر را تبدیل به قطب گردشگری ادبی می‌کند. مثل وقتی که هر ساله جمعیتی مسافر از سراسر جهان، به شیراز سفر می‌کنند تا کمی بیشتر با حافظ و سعدی مأنوس شوند. هرچند که صرف وجود یک آرامگاه گردشگر جذب نمی‌کند. مثل بیشمار مزار شاعران و نویسندگانی که در گوشه‌ای از کشوری ساخته شده و به رغم محبوبیت آنها، مسافری بهشان سر نمی‌زند. در قونیه آرامگاه مولانا به شهر هویت

